

کتاب دانی ایل — نمبر پینتالیس

دانیال کی کتاب میں «روزانہ» کے بھید کا انکشاف: ایک علامتی تبدیلی

Jeff Pippenger

2024-01-09

«با استمرار» در کتاب دانیال از سوی ویلیام میلر به عنوان نمادی از روم بت پرست یا بت پرستی شناخته شد؛ اما در ایام آخر، این نماد رد حقایق بنیادی ویلیام میلر است. این امر نمایانگر پایان شورش است که در سال ۱۸۶۳، با رد درک میلر از «هفت زمان» موسی در لاویان بیست و شش آغاز شد. هنگامی که ادونتیسیم تشخیص درست «با استمرار» را به عنوان بت پرستی رد کرد، نماد شیطان را به نماد مسیح بدل ساخت. اشعیا مشخص می سازد که این کار، واژگون ساختن امور بود. رد «با استمرار» در دهه ۱۹۳۰ (نسل سوم ادونتیسیم) تثبیت شد، اما از سال ۱۹۰۱ (نسل دوم ادونتیسیم) موضوع مناقشه بود. همان گونه که در مورد اسرائیل باستان بود، رد تدریجی حقیقت به پذیرش خطایی انجامید که عناصر گناه نابخشودنی را در خود داشت.

گناه نابخشودنی یهودیان خرده گیر آن گاه به تصویر کشیده شد که کارهایی را که مسیح انجام داده بود، کارهای شیطان شناختند. اسرائیل باستان نماد برتر اسرائیل جدید است، و اسرائیل جدید دقیقاً همین کار را انجام داد، اما به صورت معکوس. آنان اعمال شیطان (بت پرستی) را برگرفتند و آن اعمال را به مسیح نسبت دادند. عصیان اسرائیل باستان دربرگیرنده برگزیدن شیطان به عنوان پادشاه خویش نیز هست.

پس چون پیلطس آن سخن را شنید، عیسی را بیرون آورد و بر مسند داوری، در موضعی که «سنگ فرش» نامیده می شد و به زبان عبرانی «جباثا»، بنشست. و روز تدارک عید فصیح بود، و قریب به ساعت ششم؛ و به یهود گفت: «اینک پادشاه شما!» اما ایشان فریاد برآوردند: «او را بردار، او را بردار، مصلوبش کن!» پیلطس به ایشان گفت: «آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟» رؤسای کهنه پاسخ دادند: «ما را جز قیصر پادشاهی نیست.» پس آنگاه او را بدیشان تسلیم کرد تا مصلوب شود. و ایشان عیسی را گرفتند و بردند. یوحنا ۱۹:۱-۱۶.

پیلطس نماینده روم بت پرست بود، و خواهر وایت تصریح می کند که اژدهایی که در باب دوازدهم مکاشفه از آسمان به زیر افکنده شد، شیطان است؛ اما در معنایی ثانوی، اژدها همچنین روم بت پرست نیز هست. بنابراین اژدها به وسیله «قربانی دائمی» نمادپردازی شده است. پایان شورش اسرائیل باستان، هنگامی که آشکارا اعلام کردند: «ما را جز قیصر پادشاهی نیست»، بیانگر اعلان علنی ایشان بود که رعایای پادشاه خود هستند، و پادشاه ایشان شیطان بود. آن شورش بر ضد خدا به عنوان پادشاه، در روزگار سموئیل نبی آغاز شد، آنگاه که خدا را به عنوان پادشاه خود رد کردند و خواستار آن شدند که پادشاهی انسانی به ایشان داده شود تا مانند سایر امت ها باشند.

پس تمامی مشایخ اسرائیل گرد آمدند و نزد سموئیل به رامه آمدند، و به او گفتند: اینک تو پیر شده ای، و پسرانت در طریق های تو سلوک نمی کنند؛ اکنون برای ما پادشاهی بگمار تا همچون همه امت ها ما را داوری کند. اما این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد، چون گفتند: «برای ما پادشاهی بده تا ما را داوری کند.» و سموئیل نزد خداوند دعا کرد. و خداوند به سموئیل گفت: «به آواز قوم در هر آنچه به تو می گویند گوش فرا ده؛ زیرا ایشان تو را رد نکرده اند، بلکه مرا رد کرده اند تا بر ایشان سلطنت نکنم. موافق تمامی اعمالی که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم تا امروز کرده اند، و به آن مرا ترک گفته و خدایان دیگر را عبادت نموده اند، با تو نیز همان گونه رفتار می کنند.» اول سموئیل ۸:۴-۸

اسرائیل باستان هرگز دریافت که خدا را رد کرده‌اند، و نیز این‌که میل آنان به پادشاهی زمینی تا بدان‌جا پیش خواهد رفت که مسیح را مصلوب خواهند کرد و شیطان را به پادشاهی خود خواهند گزید. سرکشی ایشان از چشمان خودشان به واسطه تصورات خودپارسانه‌شان پنهان مانده بود؛ تصوراتی که بر اساس آن، با وجود رد کردن خدا، همچنان قوم برگزیده به شمار می‌آمدند، زیرا، به زعم خود، خدا حتی پس از سموئیل نیز همچنان خدمتی نبوی و مقدس را برقرار نگاه داشته بود.

آنان خدمت نبوی انبیا را به خطا تفسیر کردند و گمان بردند که حضور انبیای خدا ثابت می‌کند که ایشان قوم برگزیده خدایند. آنان دریافتند که از خدا دور افتاده‌اند و انبیا در پی آن‌اند که ایشان را به سوی خدا بازگردانند، زیرا فعالیت انبیا را دلیلی بر هدایت خدا می‌پنداشتند. این امر با وجود آن بود که پیوسته همه پیام‌های انبیایی را که نزد ایشان فرستاده شده بودند، رد می‌کردند. همین فریب در سال ۱۸۶۳ بر ادونتیسیم نیز عارض شد.

ادونتیسیم جنبشی را که از طریق خدمت ویلیام میلر گرد آمده بود رد کرد، و در همان سالی که پیام موسی درباره «هفت زمان» را - چنان‌که به واسطه ایلیا (ویلیام میلر) ابلاغ شده بود - رد نمود، برگزید که به کلیسایی با ثبت قانونی تبدیل شود. در همان سال، ایشان نقشه نبوتی بدلی‌ای پدید آوردند که دیگر قابل خواندن نبود و دیگر نمی‌توانست مطابق حقوق ۲:۳ «سخن بگوید»، زیرا برای توضیح آن به جزوهای نیاز بود. نقشه‌های حقوق همان‌گونه که بودند قابل خواندن بودند، و از این‌رو می‌توانستند «سخن بگویند».

ادونتیسیم از انجام هرگونه خودآزمایی درباره انتخابی که در سال ۱۸۶۳ کردند، سر باز زد؛ زیرا، به هر حال، نییه را در میان خود داشتند، و همین را دلیلی می‌دانستند بر این‌که ایشان همان قوم بقیه‌ای هستند که در کتاب مکاشفه مشخص شده است؛ همانانی که روح نبوت را دارند. آنان همان روحیه و طرز تلقی اسرائیل باستان را آشکار ساختند، و آن شورشی که با رد نخستین گوهری که به وسیله میلر کشف شده بود آغاز گردید، سرانجام به رد شناسایی میلر از گوهر «قربانی دائمی» نیز انجامید.

اسرائیل جدید، فهم میلر از «قربانی دائمی» را که نمادی از روم بت‌پرست است و آن نیز به نوبه خود نمادی از شیطان است، رد کرد و ادعا نمود که «قربانی دائمی» نمادی از مسیح است. به عبارت دیگر، اسرائیل جدید برگزید که نمادی شیطانی را به‌عنوان نمادی از مسیح بپذیرد. همان‌گونه که اسرائیل باستان اعلام کرد که پادشاهی جز قیصر ندارد، که نماینده روم بت‌پرست است و آن نیز نمادی از شیطان است.

.Desde el punto de vista de la aplicación profética, esa elección exigía que el Israel moderno tuviera que redefinir los capítulos siete, ocho y nueve de Daniel, que eran precisamente los capítulos representados por el río Ulai y constituían el aumento de conocimiento en la historia millerita. Se verían obligados a cambiar esos capítulos, pues el capítulo ocho hace referencia directa al "continuo" tres veces

مجبور به تاریخی که در آن رؤیای رود اولای مُهرگشایی شد، میلری‌ها پیش از آن‌که مسیح بازگردد و پادشاهی جاودانی خویش را، چنان‌که در باب دوم دانیال نمود یافته است، برپا سازد، هیچ پادشاهی زمینی دیگری را نمی‌توانستند ببینند. از این‌رو، آنان چهارمین پادشاهی روم را یک پادشاهی با دو وجه تلقی می‌کردند. آن دو وجه به‌طور مستقیم در باب‌های هفتم و هشتم دانیال بازنمایی شده‌اند. دانیال تصریح می‌کند که رؤیایی که در باب هشتم دریافت کرد، باید در رؤیای باب هفتم فهمیده شود.

پادشاہی بلشصر کے تیسرے سال میں مجھ پر، یعنی مجھ دانی ایل پر، اُس رؤیا کے بعد جو پہلے مجھ پر ظاہر ہوئی تھی، ایک اور رؤیا ظاہر ہوئی۔ دانی ایل 8:1۔

رؤیائی کہ «در ابتدا» بر دانیال «ظاهر شد»، همان رؤیای باب ہفتم بود۔

در سال اول بلشصر، پادشاہ بابل، دانیال بر بستر خویش خوابی دید و رؤیاهایی بر ذہن او گذشت؛ آنگاہ خواب را نوشت و خلاصہ امور را بیان کرد۔ دانیال 7:1۔

این دو رؤیا دو جنبہ از پادشاہی های نبوت کتاب مقدس را نشان می دهند کہ نخست در باب دوم دانیال ترسیم شدہ بودند۔ چہار پادشاہی بابل، ماد و پارس، یونان و روم در باب ہفتم تکرار شدند، و سپس بار دیگر در باب ہشتم، اما با تمایزی میان عناصر سیاسی این چہار پادشاہی و عناصر مذہبی این چہار پادشاہی۔ در دانیال ہفت، پادشاہی ها بہ وسیلہ درندگان شکارگر نمایش دادہ شدہ اند، اما در باب ہشتم ہمین پادشاہی ها بہ وسیلہ حیوانات مقدس معبد ارائه می شوند۔ دانیال آرزو داشت رؤیای باب ہفتم را درک کند، و جبرئیل نزد او آمد تا آن را توضیح دہد۔

من، دانیال، در روح خود در میان بدنم اندوہگین شدم، و رؤیای سر مرا مضطرب ساخت۔ نزد یکی از حاضران نزدیک شدم و حقیقت ہمہ این امور را از او پرسیدم۔ پس او مرا خبر داد و تعبیر این چیزها را بر من معلوم ساخت۔ این حیوانات بزرگ کہ چہارند، چہار پادشاہ اند کہ از زمین برخوانند خاست۔ اما مقدسان حضرت اعلی ملکوت را خوانند گرفت، و ملکوت را تا ابدالآباد، بلکہ تا ابدالآباد، بہ تصرف خوانند داشت۔ دانیال ۱۵:۷-۱۸

دانیال کو بتایا گیا کہ وہ چار درندے چار زمینی سلطنتیں تھیں جو اُس وقت تک قائم رہیں گی جب تک خدا کی ابدی بادشاہی قائم نہ کی جائے، اور یہ بات دانیال کے باب دو کے مطابق تھی۔ خدا کی ابدی بادشاہی کے ظہور سے پہلے، جیسا کہ باب دو میں اُس پتھر سے ظاہر کیا گیا ہے جو پہاڑ سے کاٹا گیا اور ساری زمین پر چھا گیا، چار زمینی سلطنتیں ہونا تھیں۔

خواہر وایت در پرداختن بہ وحش زمینی باب سیزدہم مکاشفہ، فہم میلریتی از آن چہار پادشاہی را بہ مراتب فراتر از دریافت میلریتی بسط داد۔

«در اینجا نمادی دیگر معرفی می شود۔ نبی می گوید: "و حیوانی دیگر را دیدم کہ از زمین برمی آمد؛ و دو شاخ مانند برہ داشت۔" آیہ 11۔ ہم ظاہر این حیوان و ہم شیوہ برخاستن آن نشان می دہد کہ ملتی کہ این حیوان نمایندہ آن است، با آنانی کہ در نمادہای پیشین ارائه شدند متفاوت است۔ پادشاہی های بزرگی کہ بر جہان حکومت کردہ اند، بہ نبی دانیال بہ صورت درندگان نشان دادہ شدند، کہ ہنگامی برمی خاستند کہ "چہار باد آسمان بر دریای بزرگ می وزیدند و در کشاکش بودند۔" دانیال 7:2۔ در مکاشفہ ہفدہ، فرشتہ ای توضیح داد کہ آب ها نمایانگر "قوم ها و انبوه ها و امت ها و زبان ها" هستند۔ مکاشفہ 17:15۔ بادها نماد نزاع اند۔ چہار باد آسمان کہ بر دریای بزرگ در کشاکش اند، صحنہ های ہولناک فتح و انقلاب را مجسم می کنند کہ بہ واسطہ آنها پادشاہی ها بہ قدرت رسیدہ اند۔» جدال عظیم، 439۔

هئزاتونہ د هغو فتوحاتو نښې دي چې هغه مهال تر سره شوې کله چې پاچاهۍ واک ته ورسېدې۔ یو دارن ځناور په نبوي ډول د یوې پاچاهۍ سیاسي، اقتصادي او پوځي ځواک استازیتوب کوي۔ هماغه پاچاهۍ چې د دانیال په دوهم او اووم فصل کې استازول شوې دي، په اتم فصل کې هم استازول شوې دي، خو هلته دا ټولې د هغو عناصرو سره تړلې دي چې د خدای له مقدس ځای څخه اخیستل شوي دي، او په دې توګه د دغو پاچاهيو مذهبي عنصر استازولي کوي، ځکه چې دا ټولې د کلیسا او دولت یووالی وو۔

در سال سوم سلطنت بیلشصر پادشاه، بعد از آن رؤیایی که نخست بر من، یعنی بر من دانیال، ظاهر شده بود، رؤیایی بر من ظاهر شد. و در رؤیا دیدم؛ و چون می‌دیدم، واقع شد که در شوشن، در قصر، که در ولایت عیلام است، بودم؛ و در رؤیا دیدم که نزد نهر اولای هستم. آنگاه چشمان خود را بلند کرده، نگریستم، و اینک قوچی در برابر نهر ایستاده بود که دو شاخ داشت؛ و آن دو شاخ بلند بودند، اما یکی از دیگری بلندتر بود، و آن که بلندتر بود، بعدتر برآمد. دیدم که آن قوچ به سوی مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد، چنان که هیچ حیوانی یارای ایستادگی در برابر او نداشت، و هیچ‌کس نبود که از دستش رهایی بخشد؛ بلکه بر وفق اراده خود عمل می‌کرد و بزرگ می‌شد. و چون در این می‌اندیشیدم، اینک بز نری از جانب مغرب بر روی تمامی زمین آمد، بی‌آنکه زمین را لمس کند؛ و آن بز، شاخی نمایان در میان چشمان خود داشت. و به سوی آن قوچی که دو شاخ داشت، و او را دیده بودم که در برابر نهر ایستاده بود، آمد و با شدت قوت خویش به سوی او دوید. و دیدم که به قوچ نزدیک شد، و خشمش بر او افروخته گشت، و قوچ را زد و دو شاخش را شکست؛ و در قوچ هیچ توانی نبود که در برابر او بایستد، بلکه او را بر زمین افکند و پایمالش کرد؛ و کسی نبود که قوچ را از دست او برهاند. پس آن بز بسیار بزرگ شد؛ اما چون نیرومند گردید، آن شاخ بزرگ شکسته شد؛ و به جای آن، چهار شاخ نمایان به سوی چهار باد آسمان برآمد. دانیال ۸:۱-۸.

فصل هشتم با این تأکید دانیال آغاز می‌شود که او در آن زمان در بستر تاریخی نخستین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، یعنی بابل، زندگی می‌کرد؛ اما رؤیای او هیچ نمادی را که قرار بود نمایانگر بابل باشد مشخص نمی‌کند، زیرا این رؤیا با قوچی آغاز می‌شود که نماینده دومین پادشاهی زمینی، یعنی ماد و پارس، بود. نبوت نمادی برای بابل عمدی است، زیرا یکی از ویژگی‌های اصلی بابل این است که نمایانگر پادشاهی‌ای است که از میان برداشته می‌شود و پس از آن بازگردانده می‌گردد، چنان که در «هفت زمان» زیستن نبوکدنصر همچون حیوان به تصویر کشیده شده است. در خلال آن «هفت زمان»، عنصری از بابل روحانی، یعنی پاپیت، نیز به تصویر کشیده می‌شود، زیرا پاپیت آن پادشاهی است که به مدت هفتاد سال نمادین به فراموشی سپرده می‌شود؛ در طی آن مدت، او زخمی مهلک داشت. این واقعیت که دانیال تصریح می‌کند این رؤیا را «در سال سوم سلطنت بلشصر پادشاه» دریافت می‌کند، بابل را به عنوان پادشاهی‌ای معرفی می‌کند که پیش از دومین پادشاهی ماد و پارس قرار دارد؛ اما در عین حال، بر بابل به عنوان پادشاهی پنهان، یا فراموش‌شده، تأکید می‌ورزد؛ پادشاهی‌ای که در ایام یک پادشاه به فراموشی سپرده می‌شود.

هشتم باب که حیوان درنده صفت جانور نہیں ہیں، بلکه وہ جانور ہیں جو مقدس کے خدمتی نظام میں قربانی کے لیے استعمال ہوتے تھے۔ چوتھی بادشاہی کی نمائندگی "ایک چھوٹے سینگ" کے طور پر کی گئی ہے، نہ کہ کسی حیوان کے طور پر؛ لیکن سینگ خدا کے مقدس کا حصہ تھے، کیونکہ خدا کے مقدس میں مذبحوں کے نقشے میں سینگ شامل ہوتے تھے۔

نه تنها چهار پادشاهی نبوت به وسیله دانیال با اصطلاحات مربوط به مقدس بازنمایی شده بودند، بلکه روایت این فصل نیز دربردارنده چندین واژه است که مستقیماً از خدمت مقدس خدا مشتق شده‌اند. روایت این فصل با واژگان عبری برگرفته از خدمت مقدس ارائه شده است، و نیز عمل تقدیم قربانی در خدمت مقدس در ساختار این فصل تعبیه شده است. این واقعیت که دانیال عمداً فصل‌های هفت و هشت را به یکدیگر مرتبط ساخته است، به کسانی که می‌خواهند ببینند، اجازه می‌دهد دریابند که فصل هفت، سیاست‌ورزی پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس را مشخص می‌سازد و فصل هشت، دیانت‌ورزی پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس را مشخص می‌سازد.

ادونتیسیم ناگزیر شده است این واقعیت را با افسانه‌های شیطانی بی‌پوشاند، زیرا این اذعان آشکار می‌سازد که گوهرهای میلر دقیقاً همان‌گونه بودند که خدا آن‌ها را طراحی کرده بود. رد فهم میلر از

«قربانی دائمی» به منزله این ادعا بازنمایی می‌شود که «خدا هیچ فهمی نداشت»، زیرا آنان مدعی‌اند که هنگامی که خدا چارچوب را به میلر عطا کرد (از طریق خدمت فرشتگان مقدس)، آن چارچوب دقیق نبود.

بی‌شک وارونه ساختن امور از سوی شما همچون گل کوزه‌گر به شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا ساخته به سازنده خود خواهد گفت: «او مرا نساخته است»؟ یا آیا آنچه شکل یافته است، درباره شکل‌دهنده خود خواهد گفت: «او هیچ فهمی نداشت»؟ اشعیا 29:16

چارچوب میلر همان ساختار نبوی‌ای بود که او آن را تشخیص داد و به کار گرفت؛ اما از سال ۱۸۶۳ به بعد، ادونتیسیم به کاربردهای الهیاتی پروتستان‌تیسیم مرتد و کاتولیسیم بازگشت تا جواهرات رؤیای میلر را بپوشاند. ادونتیسیم یک چارچوب کاذب (آنچه ساخته و پرداخته شده بود) را پذیرفت تا هم کار را رد کند و هم سازنده آن کار را. با این کار، آنان مدعی می‌شوند که سازنده آن کار هیچ فهمی ندارد. رد آن چارچوب، در آن زمان و هنوز هم، رد افزایش دانشی بود که در ۱۷۹۸ مهرگشایی شد. آنان که افزایش دانش را رد می‌کنند، کار و سازنده کار را رد می‌کنند، و به اصطلاح دانیال، «شریران» بودند.

بسیاری پاک خواهند شد، و سفید گردانیده خواهند شد، و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن دانیان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۱۰.

«شریران شرارت خواهند ورزید»، و بدین‌سان ردی تدریجی و فزاینده نسبت به حقیقت را مشخص می‌سازد. رد چارچوب از سوی شریران، رد خداست، و در مقابل، خدا نیز شریران را به سبب آن ردی که می‌کوشند به وسیله چارچوبی جعلی تحقق بخشند، مردود می‌شمارد.

قوم من به سبب نبود معرفت هلاک می‌شوند؛ زیرا تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴:۶.

قوم خدا، که از سال 1844 تا 1863 «کاهنان» خدا بودند، به سبب نداشتن آن «معرفت»ی که از طریق خدمت ویلیام میلر افزایش یافته بود، مردود شدند. مهم است که سیاق آیه ششم در هوشع مورد توجه قرار گیرد، زیرا سیاق، شورشی فزاینده علیه حقیقت را مشخص می‌سازد که به صورت «معرفت» به تصویر کشیده شده است.

بشنوید کلام خداوند را، ای فرزندان اسرائیل؛ زیرا خداوند با ساکنان این سرزمین دعوی دارد، چون در این سرزمین نه راستی هست، نه رحمت، و نه معرفت خدا. به سوگند دروغ، و دروغ‌گویی، و قتل، و دزدی، و زنا، حد را شکسته‌اند، و خون به خون رسیده است. از این رو، زمین ماتم خواهد گرفت، و هر که در آن ساکن است، با حیوانات صحرا و با مرغان آسمان، ناتوان و افسرده خواهد شد؛ آری، ماهیان دریا نیز از میان برداشته خواهند شد. لیکن هیچ‌کس مخاصمه نکند و کسی دیگری را توبیخ ننماید؛ زیرا قوم تو مانند کسانی هستند که با کاهن مخاصمه می‌کنند. پس تو در روز خواهی افتاد، و نبی نیز در شب با تو خواهد افتاد، و من مادرت را هلاک خواهم کرد. قوم من از نبود معرفت هلاک شده‌اند؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا دیگر برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواهم کرد. هرچه افزون‌تر شدند، بیشتر به من گناه ورزیدند؛ پس جلال ایشان را به ننگ مبدل خواهم ساخت. ایشان گناه قوم مرا می‌خورند، و دل خود را بر عصیان ایشان می‌نهند. و خواهد شد: مثل قوم، مثل کاهن؛ و من ایشان را به سبب راه‌هایشان مجازات خواهم کرد، و اعمالشان را به ایشان جزا خواهم داد. زیرا خواهند خورد و سیر نخواهند شد؛ زنا خواهند کرد و فزونی نخواهند یافت؛ زیرا از التفات کردن به خداوند بازایستاده‌اند.

فحشا و شراب و می نو دل را می رباید. قوم من از بت های چوبین خود مشورت می طلبند، و عصای ایشان برایشان خبر می دهد؛ زیرا روح زناکاری ایشان را به گمراهی افکنده است، و ایشان از زیر فرمان خدای خود به زناکاری گراییده اند. بر قله های کوه ها قربانی می گذرانند، و بر فراز تپه ها، زیر بلوط ها و صنوبرها و نارون ها بخور می سوزانند، زیرا سایه آنها خوش است؛ از این رو دختران شما زنا خواهند کرد، و عروسان شما مرتکب زنا خواهند شد. دختران شما را هنگامی که زنا کنند، و عروسان شما را هنگامی که مرتکب زنا شوند، مجازات نخواهم کرد؛ زیرا خود ایشان با زنان بدکاره کنار می گیرند، و با فاحشه ها قربانی می گذرانند؛ بنابراین قومی که فهم ندارد، ساقط خواهد شد. اگرچه تو، ای اسرائیل، زناکاری می کنی، اما مبادا یهودا گناه ورزد؛ و به جلال مروید، و به بیت آون برمنشویید، و سوگند مخورید که «یهوه زنده است.» زیرا اسرائیل چون ماده گاو سرکشی واپس می لغزد؛ اکنون خداوند ایشان را چون بره ای در جای فراخ خواهد چرانید. افرایم به بت ها پیوسته است؛ او را واگذارید. باده ایشان ترش شده است؛ پیوسته زناکاری کرده اند؛ سرورانش با شرمساری دوست می دارند که بگویند: «بدهید.» باد او را در بال های خود بسته است، و ایشان به سبب قربانی های خویش سرافکنده خواهند شد. هوشع ۴: ۱۴-۱۹.

هشدار هوشع این است که «خداوند با ساکنان زمین مرا فعه ای دارد، زیرا در زمین نه راستی هست، نه رحمت، و نه معرفت خدا.» ادونتیسیم قوم خدا در ایام آخر است. در روزی که آن مرد جاروب خاک به اتاق میلر وارد می شود، ادونتیسیم، از جمله مردم، کاهنان، و انبیا، «که فهم ندارد، سقوط خواهد کرد»، زیرا «به بت ها پیوسته» خواهند بود. بت های ایشان همان تعالیم بدلی ایشان است که در چارچوبی بدلی بافته شده است.

وہ بغاوت جو علم میں اضافے کے انکار سے ظاہر کی گئی ہے، بغاوت کی ایک تدریجی شدت پذیری ہے جو اس مقام تک پہنچتی ہے جہاں ان کی مہلت آزمائش اس اعلان کے ساتھ ختم ہو جاتی ہے کہ وہ ان جعلی عقائد کے ساتھ مل گئے ہیں جو ملر کے کمرے سے بہا دیے جاتے ہیں۔ ان کی بغاوت کو مسلسل زناکاری کے ارتکاب کے طور پر ظاہر کیا گیا ہے۔ 1863 سے لے کر مہلت آزمائش کے اختتام تک، وہ مسلسل بغاوت کرتے رہتے ہیں یہاں تک کہ وہ خداوند کے منہ سے اگل دیے جاتے ہیں۔

بغاوت رد معرفت کی نمائندگی ان کے "مسلسل" زنا کرنے سے کی گئی تھی، اور اگرچہ یہ وہی عبرانی لفظ نہیں ہے، تاہم اس کا مفہوم عبرانی لفظ "tamid" ہی کے برابر ہے، جس کے معنی "مسلسل" کے ہیں، اور کتاب دانیال میں اسی کا ترجمہ "daily" daily کے طور پر کیا گیا ہے۔

ما در مقالہ بعدی، مطالعہ خود را دربارهٔ چهار پادشاہی نبوت کتاب مقدس ادامه خواہیم داد.

«سپس دربارهٔ "روزانہ" دیدم کہ واژہ "قربانی" بہ وسیلہ حکمت انسان افزودہ شدہ است و بہ متن تعلق ندارد؛ و این کہ خداوند برداشت درست آن را بہ کسانی عطا کرد کہ ندای ساعت داوری را اعلام کردند. هنگامی کہ پیش از ۱۸۴۴ اتحاد برقرار بود، تقریباً ہمہ بر برداشت صحیح از "روزانہ" متفق بودند؛ اما از ۱۸۴۴ بہ این سو، در میان آشفتگی، دیدگاہ های دیگری پذیرفتہ شدہ است، و تاریکی و confusion در پی آن آمدہ است.» Review and Herald, November 1, 1850.